

تأثیرات جهانی شدن بر اشتغال زنان مسلمان

دکتر پروین داداندیش*

چکیده

جهانی شدن یکی از مباحث مهم و تاثیرگذار دنیای امروز است. متفکران و اندیشمندان کشورهای گوناگون هر یک به گونه‌ای درباره آن سخن می‌گویند و در مورد آن اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. اختلاف نظر درباره جهانی شدن غالباً از تعریف آن آغاز می‌شود. در این مقاله تعریف نگارنده از جهانی شدن، در قالب «قلمرو زدایی» و یا «فوق قلمروگرایی» قرار می‌گیرد. تاثیر جهانی شدن بر اشتغال موجب بحث‌های موافق و مخالف زیادی شده که بیشتر معطوف به امنیت شغلی بوده‌اند.

در این مقاله سعی بر این است که با توصیف و تحلیل جهانی شدن معاصر و تاثیرات آن بر اشتغال زنان مسلمان، ضمن شناسایی موانع و مشکلات موجود، پیشنهادهای اصلاحی و واقع‌گرا با بهره‌گیری از اصول و تعالیم اسلامی به منظور مقابله با آسیب‌ها، استفاده از فرصت‌ها و حل مشکلات و نیز مداخله در ترتیبات آینده جهانی در بهبود وضعیت اشتغال زنان مسلمان ارائه شود.

کلیدواژه‌ها:

جهانی شدن، زنان، اسلام، اشتغال.

* مدرس دانشگاه و پژوهشگر ارشد دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام

جهانی شدن یکی از مباحث مهم و تأثیرگذار دنیای امروز است. متفکران و اندیشمندان کشورهای گوناگون هر یک به گونه ای درباره آن سخن می گویند و در مورد آن اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. اختلاف نظر درباره جهانی شدن غالباً از تعریف آن آغاز می شود. دست کم پنج تعریف گسترده «جهانی شدن» را می توان از یکدیگر متمایز کرد. در این مقاله تعریف نگارنده از جهانی شدن، در قالب «قلمرو زدایی» و یا «فوق قلمروگرایی» قرار می گیرد.

امروزه، یکی از شاخص های توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشور چگونگی بهره برداری (کامل و متناسب) از منابع نیروی انسانی می باشد. میزان جمعیت فعال و غیر فعال اقتصادی و جویای کار در کشورهای توسعه یافته تفاوت چشمگیری در مقایسه با کشورهای توسعه نیافته دارد. تحلیل گران یکی از دلایل پایین بودن آمار جمعیت فعال این کشورها را مشارکت پایین زنان می دانند. لذا موضوع اشتغال زنان با شروع حرکت های دفاع از حقوق زنان در سطوح ملی و منطقه ای و بین المللی، همواره یکی از موضوعات مورد بحث بوده است. زنان مسلمان که جمعیت زیادی از کشورهای در حال توسعه و

توسعه نیافته را تشکیل می دهند، با شروع قرن ۲۱ و تسریع روند جهانی شدن، در حال تجربه شرایط سخت اقتصادی به دلیل انجام اصلاحات اقتصادی در کشورهای خود می باشند. از یک طرف، فشارهای اقتصادی بر خانواده های متوسط و کم درآمد زنان را مجبور به اشتغال خارج از خانه کرده است و از طرف دیگر، زنان بسیاری نیز در تلاش برای کسب منزلت بیشتر اجتماعی، استقلال اقتصادی، مشارکت مؤثر سیاسی ... به اشتغال روی آورده اند و در بسیاری از موارد شرایط ناعادلانه، نامناسب، حقوق کم و ... را تحمل می کنند. در کشورهای اسلامی به دلیل فقدان سیاست ها و استراتژی های روشن و متناسب با شرایط موجود جهانی در خصوص اشتغال زنان مسلمان و تقابل دیدگاه های رادیکال با سیاست های معمول، اشتغال زنان روز به روز با موانع و مشکلات بیشتری روبرو می شود.

در این مقاله سعی بر این است که با توصیف و تحلیل جهانی شدن معاصر و بررسی تأثیرات آن بر اشتغال زنان مسلمان، ضمن شناسایی موانع و مشکلات موجود، پیشنهادهای اصلاحی و واقع گرا با بهره گیری از اصول و تعالیم اسلامی به منظور مقابله با آسیب ها، استفاده از فرصت ها و حل

مشکلات و نیز مداخله در ترتیبات آینده جهانی در جهت بهبود وضعیت اشتغال زنان مسلمان ارائه شود.

۱- جهانی شدن

بدیهی است که در تحلیل‌های اجتماعی، تعریف‌ها موجب شکل‌گیری توصیف‌ها، تبعیض‌ها، ارزیابی‌ها و توصیه‌ها و اقدامات می‌شوند و به عبارت دیگر، بر درک کامل ما از موضوع مورد نظر تاثیر می‌گذارند. مفهومی که ما از جهانی شدن در نظر داریم، معانی ضمنی سیاسی، اقتصادی و همچنین

عقلانی مهمی در بردارد. بنابراین، لازم است در شروع بحث، «جهانی شدن» را به دقت تعریف کنیم. هرچند می‌دانیم که هر تعریفی در معرض انتقاد، تجدیدنظر و اصلاح قرار دارد.

از بین تعاریف موجود در خصوص جهانی شدن، دست کم پنج تعریف گسترده را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد. این مفاهیم از برخی جنبه‌ها مربوط به هم و تا حدودی دارای هم‌پوشی هستند، اما تاکیدات آن‌ها به میزان چشمگیری متفاوتند. یکی از برداشت‌های رایج، تعریف جهانی شدن به معنای

بین‌المللی شدن* است. از این دیدگاه، واژه «جهانی» فقط صفت دیگری برای توصیف روابط برون مرزی میان کشورها و اصطلاح «جهانی شدن» مشخص‌کننده توسعه مبادلات بین‌المللی و وابستگی متقابل است.

در کاربرد دوم، جهانی شدن به معنای آزادسازی** در نظر گرفته می‌شود. در اینجا «جهانی شدن» به فرایند برداشته شدن محدودیت‌هایی اطلاق می‌شود که دولت‌ها در فعالیت‌های میان‌کشورها برقرار می‌کنند و هدف آن به وجود آوردن اقتصاد جهانی «آزاد» و «بدون مرز» است.

در برداشت سوم، جهانی شدن به معنای جهان‌شمولی* در نظر گرفته می‌شود. در این کاربرد، واژه «جهانی» یعنی «سراسر دنیا» و «جهانی شدن» به معنی فرایند انتشار کالاها، خدمات، رویه‌ها، افکار، تجربیات و هدف‌های گوناگون برای مردم چهار گوشه دنیا می‌باشد.

تعریف چهارم، جهانی شدن را به معنای غربی شدن** یا نوگرایی***، به ویژه به شکل آمریکایی شده آن، می‌داند. از این دیدگاه،

* Internationalization

** Liberalization

* Universalization

** Westernization

*** Modernization

جهانی شدن نوعی پویایی است که از طریق آن ساختارهای اجتماعی نوگرا (سرمایه داری، عقل گرایی، صفت گرایی، دیوانسالاری و غیره) در سراسر دنیا گسترش می‌یابند و یا به طور طبیعی فرهنگ‌های پیشین و خودمختاری محلی را نابود می‌کند. مارتین کر در این زمینه اعلام کرده است که «جهانی شدن همان چیزی است که ما در جهان سوم، صدها سال آن را استعمار نامیده‌ایم».

نگرش پنجم، جهانی شدن را فوق قلمروگرایی**** یا غیر سرزمینی و غیر فضایی شدن روابط بین‌المللی و بین‌الدولی می‌داند. طبق این تفسیر می‌توان گفت با گسترش قلمروزدایی****، جهانی شدن شامل تجدید شکل‌بندی جغرافیایی است، به طوری که فضای اجتماعی دیگر به طور کامل برحسب سرزمین‌ها، فاصله‌های ارضی و مرزهای سرزمینی شناسایی نمی‌شود. به بیان دیگر، سازماندهی تولید، سرمایه‌گذاری، نشر افکار براساس مرزبندی‌های سنتی جغرافیایی، قومی و ملی صورت نمی‌پذیرد¹ برای مثال، دیوید هلد و تونی مک‌گرو جهانی شدن را نوعی «فرایند تعریف کرده‌اند

که دربرگیرنده دگرگونی در سازمان فضایی روابط اجتماعی و مبادلات است.»^۲

نکته دیگری که در باب مفهوم پردازی جهانی شدن شایسته توجه ویژه است، تصور جهانی شدن به عنوان فرآیند (process) در برابر جهانی شدن به مثابه پروژه است. تفکیک این دو نوع مفهوم پردازی از این منظر حائز اهمیت است که نگرش عمومی صاحب‌نظران را در باب مثبت و یا منفی تلقی کردن جهانی شدن تبیین می‌کند. تصور جهانی شدن به منزله فرآیند به آن معنا است که جهانی شدن مقوله‌ای خنثی و مرتبط با پیشرفت و تکامل عمومی بشر است و به زبان دیگر، فرآیندی است که فاعلی مشخص در پس پرده آن را هدایت نمی‌کند؛ روندی خنثی در مسیر ارتقای دانش و تحول شیوه زندگی انسانی است که اینک در فواصل چند قاره‌ای، سرنوشت انسان‌ها را به هم پیوند زده است. این فرآیند عمومی جهانی مانند تمامی مراحل قبلی تکامل بشری دارای پیامدهای مثبت و منفی است.

این در حالی است که تصور جهانی شدن به عنوان پروژه، قائل به این امر است که در پس این مفهوم فاعلی مستتر است که پروژه خاص خود را بر سراسر جهان تحمیل می‌کند. از این نظر، طرفداران این نگرش

**** Supraterritoriality
**** Deterritorialization

تردید، دنیا مدت‌ها در حال « کوچک شدن » بوده است و مسافت‌ها در فواصل زمانی هر چه کوتاه‌تر می‌شود. امروزه، در ارتباطات و تعامل‌های جهانی، « مکان » از نظر قلمرو ثابت نیست، فاصله قلمروها بدون صرف زمان پیموده می‌شود و مرزهای سرزمین‌ها مانع خاصی تلقی نمی‌شوند. تلویزیون‌های ماهواره‌ای، دلار آمریکا، نهضت زنان، تأثیرات گلخانه‌ای ناشی از عملکردهای انسان و بسیاری پدیده‌ها و فرآیندهای معاصر کیفیتی فوق قلمرویی دارند.

برای مثال، جغرافیای کارت‌های اعتباری ویزا و برنامه‌های رادیو - تلویزیونی جهانی فاصله و مرز نمی‌شناسند و این جریان‌ها فرامرزی عمدتاً از کنترل دولت‌ها در امان هستند.^۳

در اینجا باید تفاوت میان جهانی شدن و بین‌المللی شدن را مورد تأکید قرار داد. در حالی که روابط بین‌المللی را روابط میان قلمرویی تلقی می‌کنیم، روابط جهانی در واقع روابط فوق قلمرویی است. روابط بین‌المللی، مبادلات برون مرزی مبتنی بر فاصله است، در حالی که روابط جهانی مبادلات فرامرزی بدون فاصله تلقی می‌شود. بنابراین، اقتصاد جهانی متفاوت از اقتصاد

جهانی شدن را با واژگانی چون **جهانی سازی** و **یا آمریکایی شدن** تبیین می‌کنند. از این منظر، جهانی شدن پدیده‌ای خنثی نیست که مانند سایر مراحل تکامل بشری پیامدهای مثبت و منفی برای انسان‌ها داشته باشد بلکه پروژه برتری طلبی گروهی از انسان‌ها (اعم از کشوری خاص و یا نیرویی خاص نظیر سرمایه داری / سرمایه داران) است که بر سایر انسان‌های جهان توسعه نیافته تحمیل می‌شود.

از این دیدگاه، تعیین موضع در قبال جهانی شدن به عنوان « پروسه » یا « پروژه » که حاکی از دیدگاه کلی نسبت به این مقوله است، حائز اهمیت اساسی است.

در این مقاله تعریفی که مورد قبول نگارنده است و زیربنای بحث را تشکیل می‌دهد، فرآیند جهانی شدن به عنوان فوق قلمروگرایی است. تا این اواخر، جغرافیای اجتماعی سراسر دنیا قلمروگرا بود. مردم به طور طبیعی بیشترین روابط و تعامل‌ها را با کسانی برقرار می‌کنند که در فضای ارضی یکسان با یکدیگر سهیم هستند، مانند مردم یک روستا، یک استان، یک کشور، یا یک قاره. جهان‌گرایی از دیدگاه فوق قلمروگرایی، نشان دهنده نوعی تراکم فضایی - زمانی متمایز در تاریخ معاصر جدید می‌باشد. بدون

بین‌المللی است. بر همین اساس، سیاست جهانی با سیاست بین‌المللی تفاوت دارد. بین‌المللی بودن در فضای قلمرویی جای دارد، در حالی که جهانی بودن به فراسوی این نوع جغرافیا گام بر می‌دارد. همچنین روابط جهانی (به عنوان روابط فرامرزی) همان معاملات با مرزهای باز نیست. البته واقعیت این است که آزادسازی معاصر، گاه همراه با جهانی شدن رخ داده است. علاوه بر این، رویدادهای جهانی نیز با شرایط همگانی جهان شمول و عام تفاوت دارد. همگانی بودن به معنای انتشار در سراسر دنیا است، در حالی که جهانی شدن بیانگر ویژگی توافق و هماهنگی فراج جهانی است. البته، گاه جهان گستری همراه با جهانی شدن به وقوع می‌پیوندد، اما جهان شمولی بحث گستره قلمرو را مطرح می‌کند، در حالی که جهان‌گرایی به بحث درباره روابط فضایی - زمانی خارج از قلمرو می‌پردازد.

به همین ترتیب، شرایط جهانی بنا بر تعریف، همان شرایط غربی، اروپایی و آمریکایی یا مدرن نیستند. به طور یقین، نیروهای اجتماعی مدرن مانند دانش عقل

گرا، تولید سرمایه داری، تکنولوژی ماشینی در ظهور فوق قلمروگرایی نقش زیادی داشته اند. به علاوه، دولت‌ها، بنگاه‌های تجاری و سایر عواملی که پایگاه آنها در اروپای غربی و آمریکا قرار دارد، جزو طرفداران و ترویج‌کنندگان پرشور جهانی شدن هستند. اما جهان‌گرایی، نوگرایی و غرب‌گرایی معادل با یکدیگر نیستند. در پایان این بخش، مفروضات بحث جهانی شدن یا فوق قلمروگرایی را مرور می‌کنیم.

مفروضات بحث جهانی شدن

- جهانی شدن به معنایی که ما در طول این بحث مطرح می‌کنیم، معادل بین‌المللی شدن، آزادسازی، (جهان‌گستری) همگانی شدن یا مدرنیته نیست.

- این بحث را برپایه تعریفی از جهانی شدن که به معنای ظهور فوق قلمروگرایی و در نتیجه قلمرو زدایی نسبی در زندگی اجتماعی است، بنا می‌کنیم.

- ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که در حال جهانی شدن است، نه دنیایی که به طور کامل جهانی شده است. در واقع، ظهور فوق قلمروگرایی حاکی از پایان کامل قلمرو مداری نیست.

- در مجموع، آهنگ جهانی شدن با گذشت زمان شتاب فزاینده‌ای پیدا می‌کند.

- باید توجه داشت که نباید در زمینه وسعت جهانی شدن اغراق شود. این یک

و هماهنگی فراج جهانی است. البته، گاه جهان گستری همراه با جهانی شدن به وقوع می‌پیوندد، اما جهان شمولی بحث گستره قلمرو را مطرح می‌کند، در حالی که جهان‌گرایی به بحث درباره روابط فضایی - زمانی خارج از قلمرو می‌پردازد.

به همین ترتیب، شرایط جهانی بنا بر تعریف، همان شرایط غربی، اروپایی و آمریکایی یا مدرن نیستند. به طور یقین، نیروهای اجتماعی مدرن مانند دانش عقل گرا، تولید سرمایه داری، تکنولوژی ماشینی در ظهور فوق قلمروگرایی نقش زیادی داشته اند. به علاوه، دولت‌ها، بنگاه‌های تجاری و

- حقیقت انکارناپذیر است که رسانه های گروهی الکترونیک، محصولات فراج جهانی، تغییرات زیست محیطی جهانی بر زندگی تقریباً همه انسان های معاصر تاثیر گذاشته اند. با وجود این، سرانه تلفن های دنیا در سال ۱۹۹۵ هنوز محدود به ۱۲ دستگاه در ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت بوده است. در حال حاضر، کمتر از ۳ درصد جمعیت دنیا به اینترنت دسترسی دارند. شرکت های برون مرزی فقط بخش کوچکی از نیروی کار دنیا را، یعنی ۷۳ میلیون نفر در سال ۱۹۹۲ به خدمت گرفته اند.^۴
- جهانی شدن، همه مردم دنیا را به یک اندازه تحت تاثیر قرار نداده است. ظهور فوق قلمروگرایی بر مراکز شهری، بیش از مناطق روستایی تاثیر گذاشته است. این گرایش بیشتر در طبقات مرفه و متخصصان دیده می شود تا در طبقات فقیر یا کم سواد. زنان و افراد رنگین پوست، به طور کلی، کمتر از مردان و سفیدپوستان به فضاهای جهانی دسترسی دارند.
- یکی از محققان جهانی شدن به نام «شولت» معتقد است که چهار عامل در ظهور و تشدید جهانی شدن مؤثر بوده اند. این عوامل عبارتند از:
- ۱- گسترش عقل گرایی به عنوان چارچوب دانش غالب و عامل تعیین کننده در فهم پدیده ها.
- ۲- برخی چرخش ها در تحول سرمایه داری و تکامل آن.
- ۳- نوآوری های تکنولوژیک در ارتباطات و داده پردازی یا به عبارتی انقلاب ارتباطات.
- ۴- تشکیل چارچوب های نظارتی توانمند به عنوان تنظیم کننده روابط بین المللی.
- ۲- نقطه عطف جهانی شدن و پیامدهای نظری آن
- اگر جهانی شدن را به عنوان توسعه فضاهای فوق قلمرویی تلقی کنیم، شکوفایی آن عمدتاً از دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شده است. تا پیش از آن، علوم رایانه و ارتباطات (سیستم های مخابراتی و ماهواره ...) در دو مسیر نسبتاً مجزا در حال رشد و تکامل بودند. اما از دهه ۱۹۷۰ میلادی با پیوند علوم رایانه و علوم ارتباطات و مخابرات بستری به نام شبکه ای شدن ایجاد شد که زمینه را برای توسعه فضاهای فوق قلمرویی فراهم آورد. پیوند این دو فن آوری نوین که امروزه به نام انقلاب ارتباطات و اطلاعات از آن یاد می شود، با معرفی فن آوری اطلاعات (IT) و کاربردی ترین جلوه آن - اینترنت -

زمینه‌ساز تحقق فرآیند جهانی شدن شد. در واقع، شبکه‌ای شدن و ایجاد فضای مجازی* این امکان را فراهم آورد که جریان‌های جاری در آنچه ما امروزه جهانی‌شدن می‌خوانیم، بر ابعاد زمان و مکان غلبه نموده و زمینه سرزمین‌زدایی (deterritorialization) را محقق سازد. تحول مزبور عاملی بنیادین در جهانی‌شدن به مثابه توسعه فضاهای فوق قلمرویی ایفا می‌کند.

اگرچه روابط فراج جهانی پدیده کاملاً جدیدی نیست، طی سه دهه پایانی قرن بیستم، آهنگ و مقیاس گسترش آن به لحاظ کیفی بیشتر شده است. طی سال‌های یاد شده، افزایش بسیار زیادی در تعداد، تنوع و شدت، تثبیت، آگاهی و تأثیر پدیده‌های فرامرزی را شاهد بوده‌ایم.

از جمله این پدیده‌های فرامرزی می‌توان به ارتباطات، بازارها، تولید، پول، تامین مالی و سازمان‌ها اشاره کرد. یک اصل مسلم در فرایند جهانی شدن این است که طی این سال‌ها ماهیت فعالیت اقتصادی به واسطه جهانی شدن دگرگون شده است، همان گونه که در حوزه بازرگانی این اعتقاد وجود دارد که بازارهای جهانی، رقابت جهانی و مدیریت جهانی موجب تغییر در ساختار،

دیدگاه‌ها، سازمان‌دهی و رفتار شرکت‌های بازرگانی شده است. همچنین، جهانی شدن به طور گسترده‌ای با تحولات تکنولوژیک در حوزه‌های حمل و نقل، ارتباطات و داده‌پردازی رابطه دارد. لذا این تحولات موجب تغییر در تولید و چگونگی تولید می‌شود. به همین دلیل از نظر ناظران، اقتصاد جهانی را اقتصاد مبتنی بر اطلاعات، مبتنی بر دانش پسا صنعتی یا اقتصاد خدماتی تعریف کرده‌اند. آلوین و هایدی تافلر با دیدگاهی گسترده‌تر، ادعا کرده‌اند که تاریخ انسان پس از سپری کردن « موج اول » زندگی دهقانی و « موج دوم » تمدن صنعتی، وارد « موج سوم » یا جامعه آگاه شده است. بعضی از مفسران نیز گسترش روابط جهانی را با افول یا حتی زوال سرمایه‌داری مربوط می‌دانند. دیدگاه‌های مختلفی در زمینه تغییرات ساختاری اقتصاد در روند جهانی شدن مطرح است. این بحث‌ها غالباً بر لزوم دگرگونی در شیوه‌های انباشت مازاد، تقسیم کار جهانی جدید، خیزش منطقه‌گرایی، تمرکز بر تولید شرکت‌های غول آسا، انباشت بیشتر از طریق مصرف‌گرایی و سرمایه‌گذاری، اصلاح شیوه‌های مدیریت نیروی کار تأکید دارد. به طور کلی، از بحث‌های جهانی شدن می‌توان

* Virtual Space

دیگر نیز معتقدند جهانی شدن موجب پایداری یا حتی افزایش تنوع فرهنگی خواهد شد.

هانتینگتون معتقد است در جریان جهانی شدن، سیاست فرهنگی از طریق برخورد تمدن‌های کنفوسیوسی، سنتی شرقی، هندی، اسلامی و غربی و غیره مشخص می‌شود. همچنین در برخی از تفاسیرها نیز گفته می‌شود روابط جهانی موجب افزایش فرصت توسعه فرهنگ‌ها و جامعه‌های بدون مرز، در رابطه با طبقه اجتماعی، نژاد، مذهب و جنسیت می‌شود.

به طور خلاصه، می‌توان گفت جهانی شدن نه تنها منجر به نابود کردن ملیت نشده است بلکه اساساً موجب پیچیده‌تر شدن جغرافیای جامعه گردیده است. البته شالوده اصلی تغییرات در وحدت‌گرایی بوده است. جوامع ملی و بدون قلمرو که در بالا ذکر شد، از طریق فرایند تقابل با دیگران و احساس خطر نسبت به نابودی خود یا تغییرات بنیادی در هویت‌های خود ظاهر شده و تداوم یافته‌اند. همچنین جهان‌گرایی لیبرال ساخت‌های خاص «توسعه» و حقوق بشر را در مقابل فرهنگ‌هایی با دیدگاه‌های متفاوت عرضه کرده و حتی زمانی آن‌ها را به شدت تحمیل کرده است. لذا شاهد خواهیم بود که تا زمانی که وحدت‌گرایی از طریق بدنام

چنین استنباط کرد که جهانی شدن موجب تثبیت هرچه بیشتر موقعیت نظری و عملی نظام سرمایه‌داری به عنوان ساختار مسلط تولید جهانی شده است. همچنین، در زمینه پیامدهای ناشی از جریان جهانی شدن در حکومت‌ها باید گفت دولت‌ها در این جریان به حیات خود ادامه خواهند داد، اما شیوه حکومت به طور قابل توجهی متفاوت خواهد بود.

در حوزه فرهنگ در مقابل این سوال که آیا جهانی شدن موجب شباهت بیشتر یا تفاوت بیشتر مردم با یکدیگر خواهد شد؟ دیدگاه‌های بسیار متفاوتی ارائه شده است. برخی معتقدند که جهانی شدن شیوه‌های زندگی صنعتی را در مواردی که از «الگوی اصلی و حاکم» دور می‌شوند، هماهنگ و یکنواخت می‌کند.

در نتیجه، گوناگونی و تنوع از میان می‌رود و ما به دوران پساملی نزدیک می‌شویم^۵ جهانی شدن به معنای مصرف فرهنگ واحدی است که بر مصرف‌گرایی، رسانه‌های گروهی، آمریکاگرایی و زبان انگلیسی مبتنی است. این نوع همگن‌سازی، باتوجه به دیدگاه افراد، دارای بار ارزشی مثبت «جهان‌گرایی» و بار ارزشی منفی یعنی «جهان‌خواری ظالمانه» دانسته می‌شود. البته دیدگاه‌های

کردن، مقابله و طرد دیگران به دنبال ایجاد همبستگی است، به انسجام ساختگی گروه خودی و خشونت نسبت به گروه غیر خودی منجر خواهد شد.

جهانی شدن هر دو قبول دارند که در قرن بیست و یکم، بیکاری مشکلات زیادی برای دنیا به وجود خواهد آورد.

آمار بیکاری آشکار در سطح جهان حدوداً ۱۶۰ میلیون نفر است، که از این تعداد تقریباً ۵۳ میلیون نفر در کشورهای صنعتی و در حال گذار زندگی می‌کنند (رسماً به عنوان بیکار ثبت نام کرده‌اند). هم اکنون برآورد شده است که حدود ۵۳۰ میلیون نفر فقیر شاغل وجود دارد که به اندازه کافی درآمد کسب نمی‌کنند تا بتوانند با رساندن درآمد خانواده به یک دلار در روز از بقیه ۱/۲ میلیارد نفری که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، حمایت کنند.^۶

در سال‌های اخیر، اقتصاد جهانی تقریباً ۴۰ میلیون شغل در سال ایجاد کرده است، در صورتی که سالیانه ۴۸ میلیون نفر به جستجوگران شغل اضافه می‌شود. پیش‌بینی می‌شود طی ده سال آینده نیروی کار در سطح جهان ۵۰۰ میلیون نفر افزایش یابد که ۹۷ درصد از آن در کشورهای در حال توسعه خواهد بود.

از نکات مثبت ترازنامه جهانی شدن در زمینه اشغال می‌توان به رشد و گسترش قابل توجه اشتغال در صنایع خدماتی مانند تجارت خرده فروشی، تأمین مالی، ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات اشاره کرد. همچنین، شرکت‌های جهانی در این بخش‌ها و دیگر

۳- تأثیر جهانی شدن بر اشتغال و وضعیت جهانی آن

از نظر بیشتر مردم، امنیت کلی با امنیت شغلی پیوندی نزدیک دارد. تأثیر جهانی شدن بر اشتغال موجب بحث‌های موافق و مخالف زیادی شده که بیشتر معطوف به امنیت شغلی بوده‌اند؛ بدین معنا که آیا سرمایه‌داری جهانی می‌تواند برای هر کس که خواهان کار است، اشتغال ایجاد کند؟

بسیاری از منتقدان معتقدند که جهانی شدن موجب بیکاری چشمگیری شده است. دیگران از جمله نفولبرال‌ها مشکلات مربوط به بیکاری را عمدتاً ناشی از عوامل دیگر مانند فن‌آوری‌های جدید کاراندوز، آموزش، تحصیلات ناکافی یا سطوح دستمزد و مزایای ناپایدار می‌دانند. همچنین از نظر آنها، بیکاری یکی از مشکلات موقت بازسازی اقتصادی کشورها در واکنش به آزادسازی تجاری و سرمایه‌گذاری جهانی است. آنها خوشبینانه معتقدند که پس از اصلاحات موفقیت‌آمیز، دورنمای اشتغال بهبود خواهد یافت. به هر صورت، هواداران و منتقدان

جهانی شدن در دهه های اخیر نه تنها بر فرصت های اشتغال بلکه بر شرایط کار نیز تأثیر گذاشته است. در چارچوب سیاست نئولیبرالی، ظهور سرمایه داری فوق قلمروگرا فشارهای قابل توجه نزولی بر دستمزدها، مزایا، حمایت ها به ویژه برای کارگران غیر ماهر و نیمه ماهر به خصوص در کشورهای شمال وارد آورده است و همچنین از بهبود شرایط کار در سایر کشورهای جنوب جلوگیری کرده است.

بنا به گزارش سازمان بین المللی کار « باتوجه به این چشم انداز که تقریباً یک میلیارد زن و مرد در جهان ظرف ده سال آینده باید به کار مشغول شوند، جای تعجب نیست که توجه روزافزونی به ایجاد پتانسیل های لازم برای ایجاد اشتغال در اقتصاد غیر رسمی معطوف شده باشد. اکثر مشاغل ایجاد شده در سال های اخیر، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، در واقع، در اقتصاد غیر رسمی بوده است. معضل اینجاست که مشاغل در اقتصاد غیررسمی دارای کمبودهایی در حوزه های حقوق کارگران، شرایط مناسب کاری، حمایت قانونی و اجتماعی می باشند و قابل مقایسه با مشاغل حمایت شده مناسب در اقتصاد رسمی نیستند».

زمینه ها مشاغل جدیدی را در نقاط مختلف جهان ایجاد کرده اند. در سال ۱۹۹۲، شرکت های فرامرزی به طور مستقیم حدود ۲۹ میلیون نفر را در خارج از کشور مبدأ خود استخدام کردند.^۷ به ویژه در کشورهای جنوب، مشاغل مربوط به شرکت های جهانی اغلب دستمزدهای بالاتر، آموزش بهتر و منافع بیشتری در مقایسه با شرکت های محلی به همراه دارند. محاسبات دیگر نشان می دهند که طی ۳۰ سال (از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰) مجموع افزایش اشتغال در کشورهای جنوب در اثر صادرات به بازارهای جهانی به طور متوسط کمتر از ۷۰۰ هزار شغل جدید در هر سال بوده است. در سال ۱۹۹۲، شرکت های جهانی تنها برای کمتر از ۰.۶٪ کل افراد حقوق بگیر دنیا، شغل ایجاد کرده اند. از تأثیرات زیان بخش جهانی شدن بر امنیت شغلی می توان به بیکاری و روی آوردن اجباری به کار موقت در کشورهای شمال به دلیل جابه جایی کارخانجات تولیدی به مناطق کم دستمزد در کشورهای جنوب یا شرق و به ویژه کشورهای به تازگی صنعتی شده، اشاره کرد. البته، تنها علت افزایش بیکاری ها در دهه اخیر فقط این جابه جایی نبوده است بلکه فن آوری جدید و مکانیزه شدن کارخانجات نیز باعث حذف بسیاری از مشاغل در مراکز تولیدی شده است. تسریع

در این زمینه، دولت‌های کشورهای جنوب که کشورهای اسلامی نیز زیرمجموعه آنها قرار می‌گیرند، به دلیل انجام اصلاحات اقتصادی در جهت آزادسازی، مجبور به فشار نزولی بر برنامه‌های رفاهی در بخش عمومی شده و به ندرت اقدام به جبران کسری‌ها و نارسایی مشاغل در این بخش می‌کنند. البته، در سال‌های اخیر سازمان‌های بین‌المللی دست به ابتکارات گوناگونی جهت دستیابی به استانداردهای شغلی بهتر در اقتصاد جهانی مانند کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار و تدوین ضوابط جدیدی مانند کنوانسیون ۱۹۹۶ برای کار خانگی زده‌اند که هدف آن حمایت از کارهای خانگی است که نازل‌ترین دستمزدها و شرایط را دارند و بیشتر شاغلان آن را زنان تشکیل می‌دهند. اما متأسفانه قوانین و مقررات تجارت جهانی توجه چندانی به استانداردهای کار نشان نداده‌اند. آنچه مسلم است در فرآیند جهانی شدن نیروی کار ماهر برنده است. در اقتصاد آینده کسانی که مهارت‌شان در سطح مهارت‌های جهان سوم باشد، ولو اینکه در جهان اول زندگی کنند، مزد جهان سومی خواهند گرفت.^۸ همچنین انتقال فن‌آوری، آزادی جریان سرمایه، توسعه بازارها در ماورای مرزهای ملی و مناطق دارای استعداد

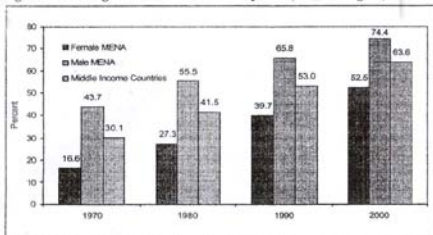
بیشتر از پیامدهای اقتصادی جهانی شدن می‌باشند.

۴- تأثیرات جهانی شدن بر عدالت اجتماعی و قشربندی جنسیتی به ویژه اشتغال زنان بدون تردید، مدت‌ها قبل از دوره تسریع جهانی شدن معاصر، بی‌عدالتی طبقاتی وجود داشته است. اما در اینجا سوال این است که گسترش سرمایه داری فوق قلمروگرا (جهانی شدن) چه تأثیری بر این نابرابری‌ها گذاشته است؟

شکی نیست که توزیع کلی درآمد و دارایی میان گروه‌های اجتماعی - اقتصادی در دهه‌های اخیر نامتقارن‌تر شده است. الگوی کلی توزیع منابع در دنیا از دهه ۱۹۶۰ به بعد از شکل تخم مرغی به شکل گلابی تغییر پیدا کرده است. آنچه مسلم است در این سال‌ها سیاست‌گذاران، به طور کلی، پیگیر تثبیت، آزادسازی، مقررات زدایی، خصوصی سازی بوده‌اند و به مسائل مربوط به عدالت طبقاتی توجه خاصی نکرده‌اند و دسترسی به بازارهای جهانی «آزاد» به هیچ وجه برای همگان امکان‌پذیر نیست. مالکان، متخصصان و کارگرانی که مهارت‌های ویژه‌ای دارند، از امکان بیشتری برای دستیابی به امکانات (مانند نمابر، مسافرت‌های هوایی،

در جهان چهره‌ای زنانه پیدا کرده است و با توجه به آنچه در خصوص تأثیرات روند جهانی شدن بر عدالت اجتماعی و اشتغال گفته شد، فراگیر شدن نظام سرمایه داری، عضویت در کانون‌های اصلی قدرت و شهرت در سطح جهانی اجتناب‌ناپذیر شده است. اما به دلیل عقب ماندگی زنان در زمینه حضور در این دو حوزه در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، نقطه ضعف آنان به خوبی پیداست. برخی منتقدان جهانی شدن معاصر، علاوه بر تاکید بر مشکلات مربوط به اختلافات طبقاتی و کشوری ادعا کرده‌اند که جهانی شدن گرایش به تشدید یا دست کم تداوم زبردست قرار گرفتن زنان را دارد. تعدادی از تحلیل‌های فمینیستی معتقدند که روند جهانی شدن باعث به وجود آمدن بی عدالتی جنسی شده است و دلیل آن را وجود

Figure 2.3: Rising female and male literacy rates, MENA region, 1970-2000



Source: World Development Indicators.

ساختارهای اجتماعی ویژه زنانگی و مردانگی می‌دانند. از نظر این گروه تأکید بر تفاوت‌های زیست‌شناختی میان زن و مرد در جوامع به زمینه‌ای برای نابرابری‌های اجتماعی تبدیل

مشاوران مالی، اینترنت و ...). جهت مشارکت فعال در سرمایه داری جهانی برخوردار بوده‌اند. در مقیاس کشوری نیز نظام جهانی به طور ناعادلانه به زیان کشورهای جنوب و به نفع کشورهای شمال بوده است و شکاف رفاهی میان جنوب و شمال طی دوره تسریع جهانی شدن تشدید شده است.

در ترتیبات و سازمان‌های بین‌المللی نیز کشورهای شمال به دلیل نفوذ بیشتر بهره‌ بیشتری نسبت به کشورهای شمال کسب می‌کنند. برای مثال، در اواسط دهه ۱۹۹۰ مشتریان ساکن شمال حدود ۹۰ درصد وام‌های جهانی جدید را دریافت کرده‌اند.^۹ البته، در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای مقابله با این بی‌عدالتی‌ها در سطوح ملی، بین‌المللی و جهانی انجام شده که هنوز نتایج چندانی در بر نداشته است. برای مثال، هنگامی که دبیرکل وقت یونسکو در اوائل دهه ۱۹۸۰ از سلسله مراتب تصنعی شمال - جنوب انعقاد کرد و پیشنهادی برای یک نظام نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات ارائه داد، دولت‌های سلطه‌جوی شمال این ابتکارات را سرکوب کردند. حتی انگلستان و آمریکا در سال ۱۹۸۴ از سازمان یونسکو خارج شدند.^{۱۰}

براساس گزارش‌هایی که سازمان ملل در کنفرانس جهانی زن در پکن ارائه داد، فقر

شده است، در حالی که این تفاوت‌ها ساختگی و ناعادلانه است.

جهان از ۳۶ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۶۱ درصد در سال ۱۹۹۷ رسیده است.

البته این نابرابری‌های اجتماعی در میان زنان و مردان در جهان پدیده‌ای تازه و خاصی در دوره تسریع جهانی شدن نیست، بلکه پدرسالاری یا مردسالاری سابقه طولانی دارد و پس از ظهور فوق قلمروگرایی سریع در دهه ۱۹۹۰ در بیشتر بافت‌های اجتماعی سراسر دنیا ریشه داشته است. لذا می‌توان گفت که جهانی شدن مبدأ بی عدالتی جنسیتی نیست. سوال این است که آیا جهانی شدن معاصر موجب تشدید گسترش بی عدالتی جنسیتی شده است یا خیر؟ از آنجا که بحث بی عدالتی جنسیتی موضوعی

در جدول شماره ۱، میزان افزایش باسوادی زنان و مردان کشورهای خاورمیانه با کشورهای با درآمد متوسط تا سال ۲۰۰۰ مقایسه شده است. البته هنوز شاهد تفاوت چشمگیر میان باسوادی مردان و زنان در این کشورها هستیم.

در بسیاری از نقاط دنیا نیز زنان بیشتری استخدام شده‌اند. برای مثال، مشارکت زنان در کار مبتنی بر دستمزد در کشورهای OECD از ۳/۴۸ درصد در سال ۱۹۷۳ به ۶۰ درصد در سال ۱۹۹۰ افزایش یافته است.^{۱۲}

جدید است، لذا پژوهشگران در دهه‌های اخیر به گردآوری منظم داده‌های اجتماعی مبتنی بر جنسیت پرداخته‌اند. با توجه به کمبود و نبود شاخص‌های دقیق آماری پیش از سال‌های دهه ۱۹۶۰، قدرت مقایسه محدود می‌شود.

در اروپای غربی از دهه ۱۹۷۰ تا دهه ۱۹۹۰ حدود یک میلیون مرد بیکار شده‌اند، در حالی که استخدام زنان ۱۳ میلیون نفر افزایش یافته است. به علاوه، از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۸ حقوق کارگران زن در شمال از ۴۳ درصد به ۵۴ درصد سطح مردان افزایش یافته است. در کشورهایی مانند آلمان، سوئد و ایالات متحده، از دهه ۱۹۶۰ به بعد، زنان به نسبت بیشتری پست‌های تخصصی و مدیریتی به دست آوردند، هرچند هنوز یک اقلیت تلقی می‌شدند.^{۱۳} این ارقام در

از دیدگاه مثبت به نظر می‌رسد که از سال ۱۹۷۰ به بعد کاهش قابل توجهی در شکاف‌های جنسیتی از نظر بهداشت و آموزشی رخ داده باشد.^{۱۱} برای مثال، نسبت ثبت نام دختران در دبیرستان در سراسر

کشورهای اسلامی با فاصله زیادی نسبت به شاهد گسترش کار زنان در اقتصاد خدماتی کشورهای شمال قرار دارد (جدول شماره ۲). در زمینه اطلاعات جهانی، ارتباطات جهانی،

Table 2 : Wages and discrimination , MENA Countries and Word regions , 2000 or most recent year available

	Women's wae Relative to Men's wages	Percent of wagegap unexplained by productive characteristics	Percent increase in women's wages if discrimination were eliminated	Estimate of women's wages relative to men's wages in the absence of discrimination
Industrialized countries	0.77	79	24	0.96
Latin America and the Caribbean	0.76	78	25	0.95
Souh Asia	0.54	70	60	0.86
East Asia and Pacific	0.71	71	29	0.92
Europe and Central Asia	0.77	103	31	1.01
Sub - Saharan Africa	0.71	63	26	0.90
MENA	0.73	117	32	0.93
Djibouti	0.43	38	50	0.65
(Egypt 1998)	0.96	324	14	1.09
Jordan	0.83	167	35	1.12
(Morocco 1991)	0.86	100	17	1.00
Yemen	0.64	13	7	0.68
Tunisia	0.82	71	15	0.96
WBG	0.56	109	86	1.04

Source : Household and labor force surveys for MENA counitis : Wr Bank (2001) for other regions

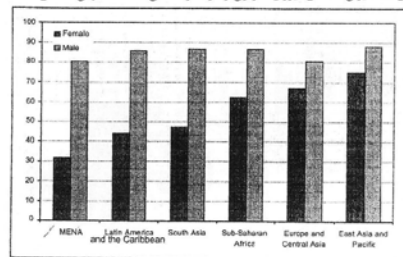
با وجود این، پیشرفت های یاد شده به برقراری عدالت کامل منجر نشده است. خرد فروشی جهانی و تأمین مالی می باشیم. (جدول شماره ۴)، همچنین زنان سهم قابل گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۵ در ملاحظه ای از مشاغل مربوط به عملیات خصوص محاسبه شاخص های توسعه وابسته به جنسیت در ۱۳۰ کشور به این نتیجه دست یافته است که زنان از فرصت های مساوی با مردان برخوردار نیستند. اغلب زنان هنوز هم برای کار یکسان دستمزد مساوی با مردان دریافت نمی کنند. در دهه ۱۹۹۰ تقریباً ۷۵ درصد فقرای دنیا را زنان تشکیل می دادند و دختران بسیاری در کشورهای جنوب همچنان به آموزش رسمی دسترسی نداشتند. هرچند سرمایه داری فوق قلمروگرا از نظر اشتغال از جنبه های گوناگون فرصت های زیادی را برای استخدام زنان افزایش داده است (جدول شماره ۳)، اما شرایط کاری زنان بسیار بد و رقت بار است. برای نمونه، ما

خرده فروشی جهانی و تأمین مالی می باشیم. (جدول شماره ۴)، همچنین زنان سهم قابل گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۵ در ملاحظه ای از مشاغل مربوط به عملیات تولیدی جهانی را به خود اختصاص داده اند. برای مثال، در سال ۱۹۹۴ حدود ۴ میلیون زن در ۲۰۰ منطقه تولیدی برای صادرات فقط در کشورهای جنوب مشغول به کار بوده اند. در حالی که این رقم در سال ۱۹۸۶ حدود ۱/۳ میلیون نفر بوده است. همچنین باید توجه کرد، همان طور که گفته شد، افزایش دسترسی زنان به اشتغال از طریق بازارهای جهانی جنبه های خوشحال کننده زیادی ندارد. بسیاری از محل های کار در بخش های تأمین مالی و نیز صنایع اطلاعاتی و ارتباطی که عمدتاً زنان در آنها مشغول به کار هستند، « بیکار خانه های الکترونیک » محسوب می شوند، زیرا بسیار پر تنش بوده و

در بخش های غیر رسمی اقتصاد جهانی نیز گرایش های مشکوکی در زمینه استخدام زنان (جنسیت گرا) وجود دارد. بازارهای جهانی گسترده در بخش خدمتکاران خانگی و ازدواج های از طریق سفارش پستی، قاچاق زنان، مهاجرت زنان روسپی و غیره، فرصت های شغلی وسیعی برای زنان فراهم کرده است. برای مثال، از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۲، حدود ۲۸۶ هزار زن فیلیپینی و ۵ هزار زن تایلندی به عنوان «سرگرم کننده» وارد ژاپن شده اند. بسیاری از خدمتکاران زن مهاجر مورد آزار جسمانی قرار گرفته و به کارهای طاقت فرسای غیر قابل قبول گمارده شده اند، اما این مشکلات تاکنون در مقیاس جهانی به صورت سازمان یافته ثبت نشده اند. در کشورهای اسلامی و عربی نیز مشکلاتی از این دست وجود دارد، ولی آماری از آنها در دسترس نیست.

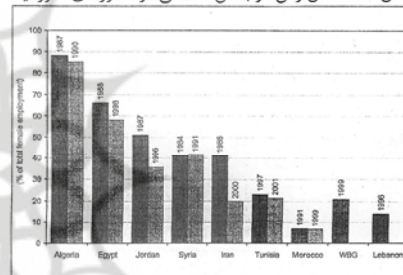
بنابراین، جهانی شدن تاکنون از نظر رعایت عدالت جنسی در فرصت های استخدامی نتایج متفاوتی داشته است. از یک سو، بازارهای جهانی امکان دسترسی زنان به کار را افزایش داده است، از سوی دیگر، به ویژه در کشورهای صنعتی، شرایط مربوط به مشاغل زنان معمولاً در سطحی نازل تر از شرایط مربوط به مشاغل کارگران مرد

شکل ۳: میزان اشتغال نیروی کار زن و مرد در مناطق مختلف جهان تا سال ۲۰۰۰



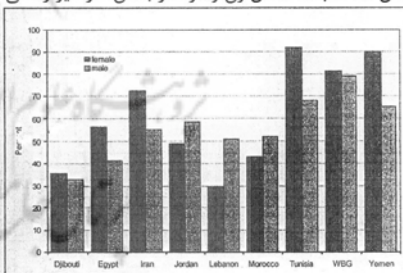
منبع: International Labor Organization.

شکل ۴: اشتغال زنان در بخش خدماتی در کشورهای خاورمیانه



Source: For Algeria, ONS Situation de L'emploi 1999 and ILO 2003; for Egypt, LFSS 1988 and ELMS 195 for Morocco, MLSS 1991 and LSMS 1999; for Iran, HES 2000 and Shaban et al 2001; for Jordan, JHES 1979; for Lebanon, Population and Housing Survey 1994; for Tunisia INS 1997 and 2001; for West bank & Gaza, LFS 1999; for Yemen, NPPS, 1999.

شکل ۵: نسبت اشتغال زن و مرد در بخش کار غیر رسمی



Source: Household and labor force surveys.

سطح دستمزد در آنها بسیار پایین است. همچنین به دلیل تیپ بندی جنسی شغلی در تأمین مالی جهانی، مردان در پست های مدیریتی و تالارهای بورس دستمزدهای بالاتری دریافت می کنند، در حالی که زنان در پست های دفتری و با دستمزدهای پایین تر در پشت صحنه از آنان پشتیبانی می کنند.

و ترکیه) اکثریت استفاده کنندگان از اینترنت را مردان تشکیل می‌دهند.^{۱۵}

در اواخر دهه ۱۹۹۰، زنان در آمریکا ۳۸ درصد، در برزیل ۲۵ درصد، در روسیه ۱۶ درصد و در کشورهای عربی ۴ درصد

استفاده کنندگان از اینترنت را تشکیل می‌دادند.^{۱۶}

همچنین، اکثریت مدیران و تولیدکنندگان در رسانه‌های گروهی را مردان تشکیل می‌دهند. بنابراین، ارتباطات جهانی بر ساختارهای جنسیتی تأثیر نامتناسبی بر جا می‌گذارند.^{۱۷}

خلاصه‌ای از فرصت‌ها و آسیب‌های جهانی شدن بر اشتغال زنان را می‌توان به صورت زیر فهرست کرد:

■ فرصت‌ها

- کاهش قابل توجه در شکاف‌های جنسیتی از نظر بهداشت و آموزش .
- افزایش فرصت‌های اشتغال برای زنان نسبت به مردان .
- افزایش متوسط سطح حقوق کارگران زن نسبت به سطح حقوق مردان .
- افزایش نسبت پست‌های تخصصی و مدیریتی زنان(هر چند هنوز زنان مدیر و متخصص در اقلیت هستند).

نسل‌های پیش‌تر قرار داشته است. در همین حال، زنان در سراسر جهان با به دست آوردن کار در خارج از خانه، گرایش به حفظ کارهای خانگی بدون دستمزد نیز نشان داده اند.

در زمینه مسائلی غیر از اشتغال، جهانی شدن معاصر، به طور کلی، در خصوص تعدیل سلسله مراتب فرصت مبتنی بر جنسیت کار چندانی انجام نداده است. برای مثال، تامین مالی جهانی (سرمایه گذاری خارجی) حذف زنان را از بازارهای اعتباری تشدید کرده است.^{۱۴} البته تاکنون مؤسسات دوجانبه و چند جانبه گوناگون، همراه با انجمن‌های غیردولتی، طرح‌های اعتباری ابتکاری، اما در مقیاس محدودی را اجرا کرده‌اند که به ویژه به زنان فقیر کشورهای در حال توسعه و

توسعه نیافته (جنوب) تسهیلات وام عرضه می‌کند. با وجود این، سرجمع مبالغ این برنامه‌ها در مقایسه با سرمایه تامین مالی جهانی که گرایش به مردان دارد، بسیار ناچیز است.

در زمینه‌های دیگر نیز قشر بندی جنسیتی مشابهی وجود دارد. برای مثال، در مورد ارتباطات جهانی بررسی‌های گوناگون نشان داده است که تقریباً در همه کشورها (به استثنای چند کشور معدود، مانند فرانسه

- اختصاص سهم قابل ملاحظه ای از مشاغل مربوط به عملیات تولیدی جهانی.
- انجام طرح‌های ابتکاری اعتباری یا فعالیت‌های اقتصادی کوچک خاص زنان در کشورهای جنوب (که در مقیاس‌های اقتصاد جهانی بسیار ناچیز است).
- در ارتباطات جهانی، دسترسی زنان بسیار کمتر از مردان است و اکثریت مدیران و تولیدکنندگان در رسانه‌های گروهی را مردان تشکیل می‌دهند.

■ آسیب‌ها

- به طور کلی، جهانی شدن گرایش به تشدید و یا دست کم تداوم زبردست قرار گرفتن زنان را دارد.
- در مجموع، جهانی شدن کارچندانی برای تعدیل سلسه مراتب فرصت مبتنی بر جنسیت انجام نداده است.
- زنان در سرتاسر جهان با به دست آوردن کار در خارج از خانه، همزمان گرایش به حفظ کارهای خانگی بدون دستمزد نیز نشان نیز داده‌اند و این امر حجم کار آنان را نسبت به مردان دوبرابر می‌کند.

۵- آثار اشتغال زن بر جامعه، خانواده و سرنوشت خود

- هنوز زنان از فرصت‌های مساوی با مردان در اشتغال برخوردار نیستند.
- اغلب زنان هنوز هم برای کار یکسان دستمزد مساوی با مردان دریافت نمی‌کنند.
- شرایط کاری زنان در دنیا بسیار پرتنش، نامناسب و با دستمزدهای پایین است.
- در تأمین مالی جهانی نیز زنان معمولاً در پست‌های دفتری و پشت صحنه به کار گمارده می‌شوند.
- در بخش‌های غیر رسمی اقتصاد جهانی گرایش‌های مشکوکی در زمینه کار زن به قدمت تاریخ حیات اجتماعی است، اما اشتغال زن به صورتی که امروزه شاهد آن هستیم از پدیده‌های نوین تاریخ بشر است. در گذشته که خانواده به طور هم‌زمان واحد تولید و نیز واحد مصرف بود، کار زن چشم‌گیر بود. اکنون نیز این نوع کار بیشتر در جوامع روستایی و عشایری به چشم می‌خورد. از ویژگی‌های کار زن این است که معمولاً زمان مشخصی ندارد و زن از اول صبح تا آخر شب در خانه به کار می‌پردازد.

همچنین، کار زن دستمزد مشخصی ندارد. اشتغال زن با زمان کاری منظم در خارج از خانه با دستمزد مشخصی همراه است که فقط در اختیار زن قرار می‌گیرد. در حالی که فرآورده های تولیدی زن در خانه و یا فعالیت های او بر روی زمین و یا باغ خانواده، به هنگام تبدیل به پول، به خانواده تعلق دارد و یا گاهی نیز در اختیار مرد خانواده قرار می‌گیرد. با اشتغال زنان، مرد نیز باید به خانه بیاید و در تقسیم کار خانه تغییراتی صورت گیرد. اما معمولاً چنین اتفاقی کمتر رخ می‌دهد. در کمتر جای جهان با خروج زن از خانه شاهد بازگشت مرد به خانه هستیم.

هر چند قوانین بین‌المللی و ملی کشورها در این خصوص مشوق‌هایی را پیشنهاد می‌کنند، اما این توصیه‌ها موفقیت چندانی نداشته‌اند. لذا زن با قبول شغل در خارج از خانه، مسئولیت کار خانه و مواظبت از فرزندان را نیز بر دوش می‌کشد و این امر خود موجبات فرسودگی زن را فراهم می‌سازد.^{۱۸}

مهاجرت وسیع زنان به سوی بازار کار از ویژگی های اساسی دنیای اواخر دومین هزاره میلادی است. طبق گزارش سازمان بین‌المللی کار، صفت ویژه جوامع صنعتی در برابر جوامعی که آنان را اصطلاحاً در حال توسعه می‌خوانند (بخش مهمی از آن شامل

دنیای اسلام می‌باشد)، نه تنها فزونی جمعیت فعال بلکه مشارکت وسیع زنان در بازار کار می‌باشد.

به طور کلی، می‌توان گفت زن با تسخیر فضاهای اجتماعی جدید، خواه ناخواه، بارهای سنتی قدیم را نیز بر دوش کشیده و هر روز مسئولیتی تازه بر وظایف وی افزوده می‌شود. مطالعات جامعه‌شناسی و روانشناسی در جوامع مختلف مدرن، در حال گذار و سنتی نشان می‌دهد که اشتغال زن دگرگونی بنیادی در نظام جامعه بر جا می‌گذارد. این تغییرات را می‌توان در چهار محور عمده خلاصه نمود. همچنین اشتغال زن بر خانواده نیز تأثیراتی بر جا می‌گذارد. در ضمن تأثیر اشتغال زن بر سرنوشت خودش نیز قابل تعمق است. خلاصه‌ای از این تأثیرات در زیر خواهد آمد.

- آثار اشتغال زن در جامعه
- تغییر ساخت شغلی جامعه
- تغییر نظام ارزش های سنتی
- توزیع نقش‌ها و پایگاه اجتماعی زن و مرد
- تغییر روابط زن و شوهر در خانواده
- آثار اشتغال زن در خانواده
- تغییر در توزیع وظایف
- تغییر در هرم قدرت در خانواده

- دموکراتیزه تر کردن واحدهای خانواده
- فرزندسالاری
- آثار اشتغال زن بر سرنوشت خودش
- تسخیر فضاهای جدید اجتماعی
- دست یابی به منابع اقتصادی و استقلال

بیشتر

- تنوع و تعدد وظایف (سنگین تر شدن و گاه تعارض وظایف)
- تنوع و وسعت موقعیت‌های گزینش
- همسر و تغییر در معیارها
- کسب منزلت اجتماعی

۶- موقعیت کنونی دنیای اسلام

امروزه، مجموع جمعیت مسلمانان که در ۸۴ کشور جهان زندگی می‌کنند، بالغ بر ۱/۴ میلیارد نفر می‌باشد. تقریباً ۵۰ درصد جمعیت مسلمانان در آسیا و ۵۰ درصد بقیه در آمریکا، اروپا، آفریقا و خاورمیانه زندگی می‌کنند. مسلمانان تقریباً ۱۷ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را تا سال ۲۰۰۲ به خود اختصاص داده بودند. بالاترین تولید ناخالص سرانه مسلمانان به ترتیب به مسلمان آمریکا و اروپا و کمترین تولید سرانه به مسلمانان آفریقا تعلق دارد. (۱۴،۵۰۰ دلار در آمریکا، ۱۴،۱۱۴ دلار در اروپا، ۱۲۶۹ دلار در آفریقا). در جهان پیشرفته صنعتی (گروه ۷)،

مسلمانان در فرانسه با ۶ میلیون نفر (۱۰ درصد جمعیت کل) بیشترین تمرکز جمعیتی را دارند و پس از فرانسه مسلمانان آمریکا با جمعیتی معادل ۵ میلیون نفر قرار می‌گیرند.^{۱۹}

در جهان اسلام، جوان بودن جمعیت بسیاری از کشورهای مسلمان و نقش تعیین کننده ای که آموزش و پرورش برای تحقق پیشرفت در جوامع اسلامی می‌تواند داشته باشد، از موضوعات استراتژیک به شمار می‌آید. اشتغال نیز مانند آموزش از جمله مسائل مهم و کلیدی برای جامعه جوان این کشورها می‌باشد. لذا ضرورت سیاستگذاری مناسب جهت توسعه اقتصادی و سرمایه گذاری اجتماعی برای اجتناب از کاهش سطح زندگی جوامع اسلامی در روند جهانی شدن و استفاده بهینه از فرصت های به دست آمده اجتناب ناپذیر است.

همچنین از جمله چالش‌های اساسی در جهان اسلام، خصوصاً کشورهای اسلامی، دموکراسی و جایگاه زن مسلمان در توسعه می‌باشد. هردو این موضوعات در جهان اسلام از پتانسیل فرصت سازی و یا آسیب پذیری برخوردار می‌باشند. در نتیجه، ما در جوامع اسلامی با چند موضوع کلیدی روبرو هستیم که تعامل تنگاتنگی با یکدیگر دارند. ضمن

اینکه فرایند جهانی شدن معاصر نیز بر آنها تأثیرات متقابل دارد.^{۲۰}

اختصاصی آنها پیشبرد منافع زنان بوده است. سیاست‌های جنسیتی به سمت موضوع‌هایی مانند سوءاستفاده جنسی از زنان، راهکارهای تولید مثل، فرصت‌های برابر برای هر دو جنس و کار زنان در مقیاس جهانی، جلب شده است.^{۲۰}

والنتین مقدم، مدیر مرکز مطالعات زنان و دانشیار جامعه‌شناسی در دانشگاه ایالتی ایلینوی در مقاله «جهانی شدن و زنان در خاورمیانه»، شرحی کلی از اینکه چگونه زنان خاورمیانه از جهانی شدن در ابعاد گوناگون آن تأثیر پذیرفته‌اند، ارائه می‌دهد. وی به تناقض‌های موجود در آثار جهانی اشاره می‌کند و برای نمونه دولت توسعه‌گرا را دارای پیامدهای منفی برای زنان در نظر می‌گیرد، در حالی که وی جهانی شدن مفاهیم و گفتمان‌های حقوق بشر و حقوق زنان را موجب ایجاد فضای رشد برای سازمان‌های زنان در سطح ملی و جهانی تلقی می‌کند. وی نتیجه می‌گیرد که در نهایت نیروی جهانی شدن شکل‌گیری توده‌ای حیاتی از زنان فعال از لحاظ سیاسی را شتاب خواهد بخشید.^{۲۱}

سال هاست، موضوع زنان به عنوان یکی از موضوعات جهانی در کنار فقر، محیط زیست و جمعیت قرار گرفته است. در این

اینکه فرایند جهانی شدن معاصر نیز بر آنها تأثیرات متقابل دارد.^{۲۰}



۷- بررسی دیدگاه‌های مختلف در خصوص اشتغال زنان در جوامع اسلامی همان طور که گفته شد بخشی از مهم‌ترین پیامدهای قلمروزدایی ایجاد همبستگی‌های جمعی است که از دهه ۱۹۷۰ رخ داده و مربوط به جنسیت می‌باشد و دیگری مربوط به دین و گرایش به تجدید حیات مذهبی است که در جای خود نیاز به توضیح دارد.

همبستگی‌های مبتنی بر جنسیت بر اساس تفاوت‌های میان زن و مرد شکل گرفته‌اند. البته در دهه‌های اخیر پیوندهای فوق قلمرویی بر حسب جنسیت عمدتاً در میان زنان شایع شده است و ما شاهد رشد و گسترش بی سابقه شبکه‌های محلی و برون مرزی، دولتی و غیردولتی بوده ایم که هدف

راستا، نشست‌های گروه‌های زنان در سطوح دولتی و غیردولتی از دهه ۱۹۹۰ تقریباً همه ساله در کنار جلسات سازمان ملل برگزار می‌شود. گروه‌ها و تشکل‌های زنان در موقعیت‌های گوناگون از سوی مؤسسات جهانی که فاقد نظام مردسالارانه بوده‌اند، مورد حمایت قرار گرفته‌اند. فعالان جنبش زنان به طور غیررسمی‌تر از طریق اینترنت این همبستگی را گسترش بیشتری داده‌اند. منتقدین معتقدند که این حرکت‌ها در پی آن می‌باشند که استانداردهای خود را (که عمدتاً غربی است) به دیگران تحمیل کنند. لذا معمولاً در کشورهای اسلامی این گونه حرکت‌های طرفداری از حقوق زنان با مقاومت‌هایی خصوصاً از طرف پیروان ادیان و مخالفان لیبرالیسم غربی و فمینیسم روبرو می‌شوند. البته این حرکت‌ها در اکثر کشورهای اسلامی طرفدارانی نیز دارند. فعالان مسائل زنان در این کشورها توانسته‌اند با بومی کردن راهکارهای بین‌المللی تا حدودی تأثیرات اصلاحی بر سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت‌های خود بگذارند. اما در مواردی نیز این حرکت‌ها باعث ایجاد حالت تدافعی و مقابله از سوی پیروان دیدگاه‌های مذهبی و ملی‌گرا شده است. نتیجه اینکه

جنبش‌های اصلاحی طرفدار حقوق زنان در کشورها و مجامع اسلامی به دلیل شائبه وارداتی و تحمیلی بودن با کندی حرکت و موانع بی شماری مواجه می‌باشند. موضوع اشتغال زنان نیز از جمله موضوعات بحث برانگیز در جوامع اسلامی می‌باشد. در جوامع اسلامی، اشتغال زنان و پیامدهای اجتماعی، خانوادگی و فردی آن از دو منظر مختلف مورد تفسیر، تحلیل و ارزش گذاری قرار گرفته است و این تفاسیر خود مانعی برای سیاست‌گذاری‌های روشن در خصوص اشتغال زنان می‌باشد. همچنان که در بحث‌های جهانی شدن، اشتغال و همبستگی‌های جنسیتی مورد تأکید قرار گرفت، این دیدگاه‌های محلی با تسریع فرآیند جهانی شدن و گسترش فعالیت‌های حمایت از حقوق و پیشرفت زنان در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تأثیرات زیادی پذیرفته‌اند. در جوامع و کشورهای اسلامی، دیدگاه‌های موجود در خصوص اشتغال زنان به صورت یک طیف با دو قطب مخالف در دو سر آن می‌باشند. در اینجا ما مبانی نظری این دو قطب را که دیدگاه زن - محور و خانواده - محور نامگذاری کرده‌ایم، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

• دیدگاه خانواده - محور

شوند. معتقدان به این دیدگاه سعی دارند براساس دستورات و تعالیم اسلامی شواهدی برای نظرات خود ارائه دهند. از این منظر، وظیفه اصلی خانواده پرورش نسل آینده‌ای معتقد و متعهد به اصول و ارزش‌های ملی و دینی است که قسمت عمده این کار بر دوش زنان می‌باشد. این دیدگاه یکی از موانع عمده تحقق اهداف و نظرات خود را تحمیل فرهنگ سکولار و مکتب فمینیسم می‌داند. در این دیدگاه اصالت به جمع داده می‌شود.

• دیدگاه زن، محور

مبنای اصلی دیدگاه زن - محور، زن است. این دیدگاه تاریخ را مملو از ظلم و بهره‌کشی توسط پدر، همسر، جامعه مردسالار تصویر می‌کند. لذا رسالت اصلی معتقدین این دیدگاه استفاده از هر وسیله‌ای برای خروج زنان را از زیر بار ظلم و تبعیض حاکم بر آنان می‌باشد. لذا در این دیدگاه، آگاه‌سازی زن، مرد و جامعه نسبت به شرایط غیر عادلانه و پست نگر به زن از اولویت برخوردار است. اولویت بعدی احقاق حقوق زنان با استفاده از ابزارهای مختلف سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی اجرایی توسط زنان، انجمن‌های زنان، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد. از این منظر،

مبنای اصلی در دیدگاه خانواده - محور، خانواده است. غایت عالی در این دیدگاه حفظ حریم خانواده و استحکام و ثبات پایه‌های آن است. نقش اعضای خانواده در جهت تحقق این هدف تعریف می‌شود. وظیفه اصلی زن در این دیدگاه مادری و تربیت نسل آینده است. لذا هر نوع سرمایه‌گذاری در جهت آموزش، تربیت و بهداشت برای دختران و زنان باید به منظور ایجاد زمینه‌های مناسب جهت انجام وظیفه مادری انجام گیرد. مرد نیز در این دیدگاه وظیفه پرداخت مخارج زن و فرزندان و اداره خانواده را دارد. پس خانواده و جامعه موظفند پسران را برای قبول مسئولیت نان‌آوری تربیت کنند و زمینه‌های اشتغال آنان را فراهم آورند. برطبق این دیدگاه، زن از نظر مالی وابسته است، چون به وسیله همسر و یا پدر تأمین می‌شود. لذا در صورت تقاضای زن برای اشتغال، چنانچه جامعه با کمبود شغل روبرو باشد، اولویت با مرد متقاضی کار است. در این صورت وظیفه دولت‌ها حمایت از اشتغال مردان است. از نظر این دیدگاه، زنان باید در مشاغلی که متناسب با روحیات و وظایف آنها باشد مانند پرستاری، معلمی ... و یا مشاغل مورد نیاز جامعه به کار گمارده

اشتغال زن در خارج از خانه یکی از راه‌های کسب استقلال مالی و منزلت اجتماعی است. طرفداران این دیدگاه معتقدند که زنان آزاد و مختار هستند. در خانواده باید دموکراسی برقرار باشد و شوهر اجازه ندارد زن خود را وادار به انجام هر عملی کند. تربیت فرزندان وظیفه هم زن و هم مرد می‌باشد. دختر و پسر باید به گونه‌ای تربیت شوند که یک نقش خاص جنسیتی در آینده بر آنان تحمیل نشود. دولت‌ها نیز موظفند در آموزش و پرورش همین گونه عمل کنند و در همه امور خصوصاً اشتغال، هیچ گونه تبعیضی بین زن و مرد روا ندارند. این دیدگاه یکی از موانع تحقق اهداف خود را سنت، آداب و رسوم و برداشت غلط از مذهب می‌داند و اصالت را به فرد می‌دهد.

• مقایسه دو دیدگاه زن - محور و

خانواده - محور در موضوع اشتغال زنان

البته باید توجه کرد که در جوامع اسلامی دیدگاه‌های مختلفی در زمینه اشتغال زنان وجود دارد. در اینجا سعی شده است تیپ رایج از دو دیدگاه متقابل در این جوامع تشریح شود. لذا بیشتر بر نکاتی تأکید می‌شود که مرتبط با بحث جهانی شدن و اشتغال زنان مسلمان باشد. در حقیقت، در

اینجا ما از مجموع بحث‌های مربوط به اشتغال در جوامع اسلامی فصل مشترکی گرفته ایم و به مقایسه و تحلیل می‌پردازیم. قطعاً به صورت‌های دیگر نیز می‌توان در مقوله اشتغال زنان تعمق نمود. در مقایسه نظری این دو دیدگاه باید گفت هرچند به نظر می‌رسد طرفداران این دو دیدگاه به صورت دلسوزانه به دنبال ارتقای موقعیت زنان مسلمان در خانواده و اجتماع هستند. اما هر یک به گونه‌ای جنبه‌هایی از وجود زن را نادیده گرفته‌اند.

از آنجا که دیدگاه خانواده - محور اصل را بر اصالت خانواده می‌داند به نوعی نیازهای مشروع فردی زن را نادیده گرفته است. از جمله این نیازها می‌توان به نیاز به انتخاب، آزادی عمل، کار و تلاش مشروع و احساس منزلت اجتماعی اشاره کرد که توسط شرع مقدس اسلام برای کلیه انسان‌ها به رسمیت شناخته شده است. همچنین باتوسعه و پیشرفت جوامع اسلامی و گسترش ارتباطات، هسته‌ای شدن خانواده‌ها، برنامه‌های کنترل جمعیت، زن مسلمان از نظر روحی و روانی فقط با تربیت یک یا دو فرزند در طول زندگی مشترک خود اقیانوس نمی‌شود. این دیدگاه با مفروض گرفتن تأمین اقتصادی زن توسط همسر و پدر، اولویت اشتغال را به

حال، در زندگی خود احساس رضایت و امنیت خاطر نمی‌کند.

یک نقیصه کلی نیز در هر دو این دیدگاه‌ها وجود دارد و آن بی‌توجهی و عدم شناخت نسبت به اقشار مختلف زنان است. امروزه در جهان اسلام نیز همانند سایر نقاط جهان، ما شاهد پیچیدگی بیشتر جغرافیای اجتماعی و آرایش طبقات و اقشار اجتماع می‌باشیم. زن مسلمان ممکن است به یکی از گروه‌های زنان شهری و روستایی، زنان خود سرپرست که هرگز ازدواج نکرده‌اند، زنان سرپرست خانواده، زنان زیر خط فقر، کم درآمد، متوسط و مرفه، زنان متخصص تحصیل کرده، زنان بی‌سواد و یا کم سواد و گروه‌های دیگر تعلق داشته باشد. هریک از این گروه‌ها نیازها و افکار و عقاید خاص خود را دارند، لذا نمی‌توان دستورالعمل واحدی مطابق با دو دیدگاه یاد شده برای اشتغال آنان ارائه کرد. آیا می‌توان با قاطعیت گفت که کلیه زنان در جامعه تحت سرپرستی یک مرد قرار دارند و یا وظیفه اصلی کلیه زنان پرورش نسل آینده است یا همه زنان زیر ظلم مردان قرار دارند و برای استقلال مادی و معنوی باید شغلی برای خود دست و پا کنند.

مردان می‌دهد. در حالی که در اکثر کشورهای اسلامی که در حال اصلاحات اقتصادی هستند، تورم و افزایش هزینه‌های زندگی، زنان خانواده‌های متوسط و کم درآمد را مجبور می‌کند که به کار در خارج از خانه بپردازند و به دلیل نبود سازوکارهای حمایتی و نظارتی نسبت به اشتغال زنان و همچنین محدودیت در بازار کار، عرضه کار ارزان از طرف شرکت‌های سودجو و عدم نظارت دولت‌ها، زنان اجباراً به هر نوع کاری دست می‌زنند که این امر ممکن است تبعات زیانباری برای خانواده و خودشان به بار آورد.

در دیدگاه زن - محور نیز گرچه به ابعاد مختلف فردی زن توجه بسیار شده است، اما نادیده گرفتن جنبه‌های عرفی، اعتقادی و معنوی زن مسلمان و نیاز اکثریت زنان به تشکیل خانواده و نیاز جامعه به پرورش نسل آینده، بنای خانواده را بسیار سست می‌کند و موجب تضعیف هویت ملی، اعتقادی و اخلاقی زنان می‌شود. هرچند ممکن است، در نگاه اول، زن مسلمان با افزایش تحصیلات و دست‌یابی به اشتغال مناسب جنبه‌های فردی و اجتماعی خود را ارتقا بخشد، اما در صورت عدم تشکیل خانواده و یا نداشتن خانواده موفق، در هر

بازده خوبی از اشتغال زن در خانواده، جامعه و توسعه کشور انتظار داشت.

۸- بررسی دیدگاه اسلام نسبت به اشتغال زن

اسلام برای تحکیم و ثبات خانواده اهمیت زیادی قائل است و آن را منشاء و کانون تربیت جامعه می‌داند. اسلام ضمن اینکه برای زن و مرد تکالیف خاصی مشخص کرده است. در خانواده نیز زن و شوهر را مکمل یکدیگر می‌داند و بر مشارکت هر دو در تربیت فرزندان تأکید دارد. همچنین در دیدگاه اسلامی نه تنها حرمتی برای اشتغال زن وجود ندارد بلکه در مورد کار و تلاش هر فرد مسلمان تأکید بسیار شده است. اسلام حقوق زن و مرد را در کار و تلاش به رسمیت می‌شمارد و تفاوتی بین آنان قائل نیست. امام خمینی رهبر فقید انقلاب کار را از حقوق زن می‌داند. ایشان می‌فرمایند:

«در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد. حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن و حق رأی گرفتن.»^{۲۲}

البته بحث‌های فقهی فراوانی در این رابطه مطرح است، اما در اینجا سعی شده به برداشت کلی اسلام نسبت به اشتغال زن پرداخته شود. به طور کلی، در دیدگاه

برطبق گزارش صندوق جمعیت و دفتر توسعه سازمان ملل، فقر در دنیا چهره زنانه دارد و زنان فقیرترین فقیرها هستند. زنان وقتی در خانه با کمبود غذا مواجه می‌شوند، اولین کاری که انجام می‌دهند این است که غذای خود را تقلیل داده تا فرزندان خود را سیر کنند. به همین دلیل، سوء تغذیه بیماری شایع زنان و دختران در میان این جوامع است. حال با وجود این همه سختی و مشکلات معیشتی، زنان چگونه می‌توانند به حقوق خود فکر کنند؟ در صورتی که حاضرند از کمترین حق خود به خاطر فرزندان خود بگذرند.

به نظر می‌رسد دیدگاه‌های موجود درباره اشتغال زنان در جوامع اسلامی کمتر واقع‌گرا بوده و بیشتر در هر دو سرطیف آرمانی می‌باشد. اما چنانچه بتوان در خانه و جامعه زمینه‌هایی فراهم آورد تا زن مسلمان با آگاهی و دوراندیشی شرایط خود و خانواده و جامعه را درک کند و با آزادی اشتغال در منزل و یا خارج از منزل را انتخاب کند، آن‌گاه از نظر روحی ارضاء می‌شود. چنانچه زن بتواند در اشتغال فردی حمایت‌های همسر، کارفرما و دولت را کسب کند، بهره‌وری او بالا خواهد رفت. به نظر می‌رسد تنها در صورت انتخاب رضایتمند است که می‌توان

اسلام برای اشتغال ندارد و آنچه تا به حال به عنوان موانع اشتغال زن مسلمان مطرح شده برگرفته از تعابیر نادرست و سنت‌های گذشته است که با شرایط جامعه جهانی و روند رو به رشد جهانی شدن و نیاز جوامع اسلامی به توسعه، لازم است مورد تجدید نظر قرار گیرد.

۹- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در جمع‌بندی بحث جهانی شدن و بازار کار و تولید زنان با نگاه اجمالی به فرصت‌ها و آسیب‌هایی که جهانی شدن بر جوامع اسلامی و نهایتاً بر زنان مسلمان گذاشته است و با در نظر گرفتن دغدغه‌های زن مسلمان مثل حفظ هویت دینی، حفظ خانواده و مشارکت در توسعه و تضمین حقوق فردی و اجتماعی خود پیشنهادهایی را در دو سطح کلان و خرد در محورهای زیر ارائه می‌دهیم. این پیشنهادها در ۵ بخش سیاست‌های فرهنگی و حمایتی دولت‌ها و اقدامات دولت‌ها، علما و مبلغین دینی، انجمن‌های غیردولتی زنان و اقدامات تک تک زنان مسلمان دسته‌بندی شده است.

الف - سیاست‌های فرهنگی و حمایتی دولت‌ها

۱. توجه به ثبات خانواده و تکریم زن خانه دار و کار او به عنوان ارزشی معنوی و مادی برای جامعه از طریق ارتقای فرهنگ عمومی،

اسلامی برای کار زن در منزل و خارج از منزل منعی وجود ندارد. حتی زن برای کار در منزل نیز می‌تواند از همسرش طلب اجرت نماید. امام خمینی (ره) در مقابل این سؤال که آیا مرد می‌تواند زن را مجبور به انجام امور خانه (مرتب و تمیز کردن، غذا پختن و ...) کند، به صراحت پاسخ می‌دهند که:

«مرد حق ندارد زن خود را مجبور به کار خانه کند». چنانچه زن منابع مالی یا درآمدی داشته باشد، بعد از ازدواج نیز حق بهره‌برداری از آن متعلق به خود اوست. زن می‌تواند به صورت مستقل از همسر به کسب درآمد بپردازد. اما تنها مسئله‌ای که مانع از اشتغال زن متأهل می‌شود، اجازه خروج از منزل است که در اختیار مرد می‌باشد. البته بنا به فتوای امام خمینی (ره) زن و مرد می‌توانند هنگام عقد ازدواج شروطی را در رابطه با شیوه اشتغال و سایر فعالیت‌های زن با توافق یکدیگر در عقدنامه درج کرده و به آن عمل کنند.

در خاتمه تأکید بر این نکته اهمیت دارد که ادعای دیدگاه زن-محور نسبت به مانع بودن اسلام برای اشتغال زنان کاملاً رد می‌شود. همچنین ادعای دیدگاه خانواده-محور که مبنای تفکر خود را عمل به شریعت اسلامی می‌داند، قابل قبول نیست. پس می‌توان نتیجه گرفت که زن مسلمان با حفظ هویت اسلامی خود هیچ‌گونه منعی از نظر

- آموزش رسمی و غیر رسمی و اطلاع رسانی جمعی و احتساب ارزش مادی آن در تولید ناخالص ملی؛
۲. ترسیم آینده روشن و امیدوارکننده برای زن خانه دار از طریق گسترش تأمین اجتماعی و تخصیص منابع کافی در این خصوص؛
۳. تدوین سیاست مشخص برای اشتغال زنان بدون هر گونه برداشت تبعیض آمیز از اسلام و منطبق با نیازهای زنان و جامعه در روند جهانی شدن.

ب - اقدامات دولتها

۱. تقویت ابزارهای قانونی حمایت از زنان شاغل رسمی و غیر رسمی؛
۲. فراهم کردن دسترسی همه اقشار زنان به مهارت‌های فنی و حرفه ای در سطوح بالا؛
۳. تضمین اجرای قانون اشتغال بدون تبعیض؛
۴. اختصاص منابع خاص برای حمایت از فعالیتهای سازمان یافته غیر دولتی و تعاونی برای اشتغال زنان؛
۵. اولویت دادن به اشتغال زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار؛
۶. اتخاذ تدابیری برای تواتری کردن اشتغال زنان (رفت و برگشت زن به بازار کار

- در هنگام نیاز فرزندان و همسر برای مراقبت بیشتر)؛
۷. آماده کردن زیر ساخت‌های لازم برای حضور زنان در بازار کار (مهد کودک های مناسب، قوانین مقررات و ...)
۸. استفاده از متخصصین زن در سطوح تصمیم گیری و سیاست گذاری؛
۹. زمینه سازی و تخصیص منابع برای گسترش فعالیت‌های غیر دولتی زنان (خیریه، آموزشی، خدماتی و ...).

ج - اقدامات و ارشادات علما و مبلغین

دینی

۱. پاسخ به سؤالات و نیازهای عصر حاضر زن مسلمان با توجه به اصول، مبانی و فقه اسلامی؛
۲. تشویق و ترویج رعایت اخلاق اسلامی بین زن و مرد در جامعه و خانواده؛
۳. تشویق مردان و فرزندان برای کمک در امور خانه به همسران و مادران شاغل.

د - اقدامات جوامع و گروه‌های غیر دولتی زنان مسلمان (در سطوح محلی و

فرامرزی)

۱. فراهم کردن زمینه های افزایش دانش و مهارت‌ها و اطلاعات مورد نیاز عصر حاضر برای زن مسلمان (مانند زبان انگلیسی،

کامپیوتر، اینترنت، تکنولوژی های پیشرفته و ...؛ ارزش‌ها و هویت دینی به خانواده و نسل آینده؛

۲. تأسیس شبکه های اطلاع رسانی جهانی برای تبادل نظر و تجربه بین زنان مسلمان شاغل؛

۳. حضور فعال در شبکه های جهانی در موضوعات اشتغال و توسعه؛

۴. حضور فعال در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و تلاش برای معرفی دیدگاه‌های زن مسلمان نسبت به خانواده و اشتغال و

اثرگذاری در ترتیبات بین‌المللی؛

۵. برنامه ریزی برای ارتقای مهارت‌ها و آگاهی های زنان کارگر؛

۶. تأسیس شبکه‌های محلی و جهانی برای حمایت از زنان مسلمان شاغل در سرتاسر دنیا (به هنگام تعدی به حقوق و ارزش‌های

انسانی و اسلامی آنان)؛

۷. راه اندازی و تقویت شبکه های کاریابی محلی و بین‌المللی برای زنان مسلمان.

- اعزازی، شهلا، **جامعه شناسی خانواده**، تهران

: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۰.

- کار، مهرانگیز، **زنان در بازار کار ایران**، تهران

: انتشارات روشنگران، ۱۳۷۳.

- رستمی، الهه، **جنسیت، اشتغال، اسلام**

گرایی، ترجمه رویا رستمی، تهران: جامعه ایرانیان،

۱۳۷۹.

ه - اقدامات فردی زن مسلمان

۱. تلاش در جهت ارتقای دانش، آگاهی‌ها و مهارت‌های خود متناسب با نیاز کشور (محل زندگی) و جامعه جهانی؛

۲. تلاش در جهت حفظ هویت اسلامی، انجام فرایض دینی در هر شرایطی و انتقال

منابع:

- کمالی، حسین، **جامعه، کار و توسعه**، تهران: وزارت ارشاد اسلامی - سازمان چاپ و انتشار، ۱۳۸۳.

- کار شایسته و اقتصاد غیر رسمی، ترجمه، محمد ضیائی بیگدلی، تهران: پژوهشکده امور اقتصادی - ۱۳۸۳.

- شولت، یان آرت، **جهانی شدن**، ترجمه، مسعود کرباسیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.

- سفیری، خدیجه، **جامعه شناسی اشتغال**، تهران: انتشارات تبیان، ۱۳۷۷.

- Peterson V.S and A. S. Runyan (1999) *Global Gender Issue*, 2 nd edn. Boulder, CO : Westview.
- UNDP (1999), *Human Development Report 1999*. New york: Oxford University Press, 19.
- Lake. H. (1994) *Wipeout in Cyber Space*, Amnesty : Campaign Journal for Amnesty International British section no. 70 (November / December) pp. 10 – 11., 18.
- Wells , C. (1987) *The UN , UNESCO and The Politics of Knowledge*. London : Macmillan.
- Moghadam Valentine M. Moghadam , “ *Globalization and Women in the Middle East* , “ in *Middle Eastern Women on the Move : Opennings for and Constraints on Women’s political participation in the Middle East* , Washington : Woodrow Wilson International Center for Scholars , 2003 , pp. 79 – 80 .
- Simai , M. (1995) *The Poitics and Economics of Global Employment*, in Simai (ed.) *Global Employment : Exploring Canada's*
- منصور نژاد، محمد، *مسأله زن، اسلام و فمینیسم*، تهران : نشر برگ زیتون، ۱۳۸۱.
- سریع القلم، محمود، *ایران و جهانی شدن: چالش‌ها و راه حل‌ها*، تهران : مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۴.
- ابوت، پانه، والاس، کلر، *مقدمه‌ای بر جامعه شناسی (نگرش‌های فمینیستی)*، ترجمه، مریم خراسانی، حمید احمدی، تهران : دنیای مادر، ۱۳۷۶.
- مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران : انتشارات صدرا، (چاپ دهم)، ۱۳۷۳.
- کرمی، محمدتقی، «خوانش انتقادی اشتغال زنان»، *ماهنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی زنان، حوراء* شماره هشتم، آبان و آذر ۱۳۸۳.
- شکوه، نوابی نژاد، «خانواده در جهان معاصر»، *ماهنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی زنان، حوراء* شماره سوم، اسفند ۸۲ و فروردین ۱۳۸۳.
- «مجموعه مقالات، تعاون، زن و اشتغال»، *وزارت تعاون*، بهار ۱۳۷۵ .
- ساروخانی، باقر، *مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده*، انتشارات سروش، تهران : ۱۳۷۵.
- انصاری، حمید، *حدیث بیداری*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- کولایی، حافظیان، *نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵

- ۴ - ILO, World Employment 1995, **International Labour Organization, p. 45.**
- ۵ - J.M. Gucheno, The End of the Nation- State, **Minneapolis: University of Minnesota Press, 1995.**
- ۶- کار شایسته و اقتصاد غیر رسمی، ترجمه محمد ضیایی بیگدلی، تهران: پژوهشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۶.
- ۷ - ILO, **op.cit.**
- ۸- سریع القلم، پیشین، ص ۳۳.
- ۹- شولت، پیشین، ص ۳۰۴.
- ۱۰ - C. Wells, The UN, UNESCO, and the Politics of Knowledge **London: Macmillan, 1984.**
- ۱۱ - UNDP, Human Development Report 1999, **New York: Oxford University Press, p.3.**
- ۱۲- شولت، پیشین، ص ۳۱۳.
- ۱۳- همان، ص ۳۱۴.
- ۱۴ - Ivan Staveren, **Global Finance and Gender, Paper for a Workshop on Civil Society and Global Finance, Relations With The Countries of Muslim World, March 2004.**
- Guehenno, J. M. (1995) The End of the Nation _ State. **Minneapolis : University of Minnesota Press.**
- ILO (1995) **World Employment 1995. Geneva : International Labour Organization**
- Staveren , Ivan (2000) **Global Finance and Gender , Paper for a workshop on Civil Society and Global Finance , University of Warwick , 29-31 March .**
- UNESCO (1987) **Women and Media Decision Making : The Invisible Barriers. Paris : United Nations Educational , Scientific and Cultural Organization.**
- پانویسها:
- ۱- محمود سریع القلم، ایران و جهانی شدن: چالش‌ها و راه‌حل‌ها، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۴، صص ۲۴-۲۵.
- ۲- یان آرت، شولت، جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، صص ۶-۸.
- ۳- همان، صص ۵۲-۵۳.

²⁰ - V.S. Peterson and A. S. Runyan, University of Warwick, 29-31 March
Global Gender Issue, 2nd edn. Boulder, 2000.

Co: Westview, 1999.

²¹ - Valentine Moghadam,

"Globalization and Women in the Middle East", in Middle Eastern

Women on the Move: Openings for

the Constraints on Women's Political

Participation in the Middle East,

Washington: Woodrow Wilson

International Center for Scholars,

2003, pp. 79-80.

۲۲- حمید انصاری، حدیث بیداری، تهران، مؤسسه تنظیم

و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۴.

¹⁵ - H. Lake, Wipeout in Cyber Space,

Amnesty: Campaign Journal for

Amnesty International, British

Section, No 70, November /

December 1994.

¹⁶ - UNDP. op. cit., p. 62.

¹⁷ - UNESCO, Women and Media

Decision Making: The Invisible Barriers,

Paris: United Nation's Educational,

Scientific and Cultural Organization,

1987.

۱۸- باقر ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده،

تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۵، ص ۱۷۴.

¹⁹ - M. Simai, The Politics and Economy

of Global Employment, in Simai (ed),

Global Employment: Exploring

Canada's Relations with the

Countries of Muslim World, March

2004.